

# شرح استقلال دانشگاه تهران

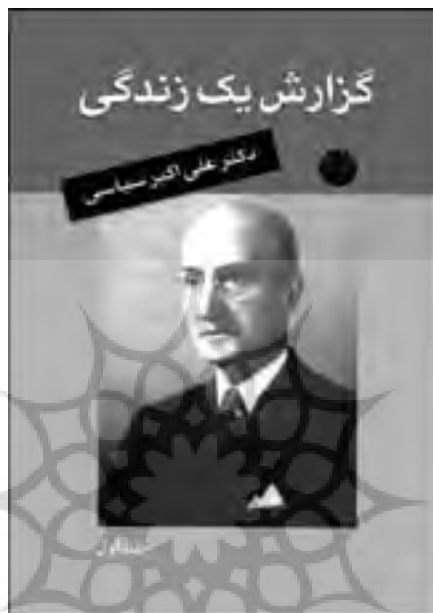
## وگوشه‌هایی از تاریخ آموزش نوین در ایران

### فَرخ امیر فریار

(سپه‌ام‌السلطان) وزیر مشاور شد و در سال ۱۳۲۶ در کابینه حکیمی برای بار سوم وزیر فرهنگ شد. سرانجام در کابینه ساعد وزیر امور خارجه شد و در سال ۱۳۲۵ عضویت نمایندگی ایران در سازمان ملل را عهده‌دار شد.

گزارش یک زندگی زندگینامه و خاطرات سیاسی است که نخستین بار در سال ۱۳۶۶ در لندن منتشر شد و اکنون پس از بیست سال در ایران نیز فرصت انتشار یافته است. به نوشته خود وی در پیشگفتار، این کتاب فراهم آمده از یادداشت‌هایی است که در طی زندگی نوشته است و وقایع زندگی و خاطرات او تا پایان دهه ۱۳۳۰ شمسی را شامل می‌شود. روی جلد کتاب جلد اول ذکر شده، ولی تاکنون جلد دوم آن منتشر نشده است.

کتاب با شرح دوران کودکی نویسنده در تهران آغاز می‌شود. توصیفی که از تهران قدیم به دست می‌دهد مشابه کتاب‌های دیگری است که به این موضوع پرداخته‌اند. شهری محدود با امکانات کم و مردمی عامی، بی‌سواد و کم‌سواد. از میان افراد خانواده‌اش بیش از همه به مادرش علاقه‌مند است و رابطه نزدیکی با او دارد و به کمک او به خواسته‌هایش می‌رسد. از پدرش تصویر محو و کم‌رنگی به دست می‌دهد. خانواده پدری او اصالتاً یزدی بوده‌اند و شخصی پول پدرش را بالا کشیده است. پدر فردی منزوی و متشّرع است که با تحصیل پدرش در مدارس جدید مخالف است و می‌خواهد که پسرش تحصیل علوم دینی کند. ولی سیاسی با کمک مادر و برادرانش موفق می‌شود او را به قبول تحصیلش در مدارس جدید وا دارد. از پدر جز همین موارد چیز دیگری ننوشته است. سیاسی حتی به کار و حرفه برادرانش هم اشاره‌ای نمی‌کند. روایتش درباره آنها منحصر است به چند جا که به او کمک می‌کنند و یکی دوبار که او را تنبیه می‌کنند. تنها هنگام ازدواج سیاسی است که می‌فهمیم برادرش سرگرد بوده است! در شرح ازدواج خود می‌نویسد تا پیش از عقد چهره همسرش را ندیده و مراسم خواستگاری و عقدکنان او با همسرش کاملاً به صورت سنتی برگزار شده بوده است.



گزارش یک زندگی. علی‌اکبر سیاسی. تهران: اختران، ۱۳۸۶. ۳۱۹ ص. مصور. ۳۸۰۰۰ ریال.

دکتر علی‌اکبر سیاسی که اکنون بیش از یک قرن از تولد او می‌گذرد از چهره‌های شاخص در عرصه آموزش ایران است. وی نخستین رئیس انتخابی دانشگاه تهران بود و مدت دوازده سال بر دانشگاه ریاست کرد. وزارت در چند کابینه و ریاست دانشکده ادبیات از دیگر مشاغل او بوده است.

سیاسی در سال ۱۲۷۴ ه.ش در تهران به دنیا آمد و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد مدرسه عالی علوم سیاسی شد و دانشنامه گرفت. نام خانوادگی «سیاسی» را به خاطر تحصیل در رشته سیاسی انتخاب کرد. وی جزء گروه جوانانی بود که در سال ۱۲۹۰ از طرف دولت ایران برای ادامه تحصیل به اروپا اعزام شدند. در پاریس به تحصیل علوم تربیتی و روانشناسی پرداخت و پس از بازگشت به ایران در سال ۱۲۹۶ استاد مدرسه دارالفنون شد. همچنین با همکاری گروهی از دوستان خود جمعیتی به نام ایران جوان تأسیس کرد که هدف آنها اصلاح امور کشور بود. در سال ۱۳۰۸ مجدداً برای ادامه تحصیل به اروپا رفت و در رشته روان‌شناسی دکترای گرفت و سپس به ایران بازگشت و به ریاست اداره تعلیمات عالی وزارت فرهنگ منصوب و در دارالمعلمین عالی نیز به تدریس مشغول شد.

پس از تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ وی استاد دانشکده ادبیات شد و در سال ۱۳۲۱ رئیس همین دانشکده شد. در مرداد ۱۳۲۱ در کابینه احمد قوام وزیر فرهنگ شد. در همین سمت بود که قانون تعلیمات اجباری را از مجلس سیزدهم گذرانید. همچنین استقلال دانشگاه تهران از وزارت فرهنگ توسط او صورت گرفت و از جانب رؤسای دانشکده‌ها به ریاست دانشگاه تعیین شد. پس از سقوط کابینه قوام مجدداً در کابینه علی سهریلی وزیر فرهنگ شد. در سال ۱۳۲۳ در کابینه مرتضی قلی بیات

سیاسی نخستین نسل از جوانان پس از مشروطه است و انگیزه اصلی او از تحصیل و فعالیت‌های اصلاح امور کشور است. این نسل نسلی بود عمل‌گرا، به اهمیت نهاد و سازمان توجه داشت و کارش تنها در اظهار نظر و مخالفت خلاصه نمی‌شد. به نوشته کاوه بیات، پس از جنگ جهانی اول دیگر تجدّد و نوخواهی نیاز به توضیح و استدلال نداشت بلکه خواستی عمومی بود و نیاز به ارائه پیشنهادهایی عملی داشت. نسل جوان فرنگ رفته بار اصلی این تلاش را بر دوش داشت. انجمن ایران جوان که در فروردین ۱۳۰۰ ش موجودیت آن توسط سیاسی و گروهی از همفکرانش اعلام شد یکی از چند تشکل مهمی بود که گروهی از این جوانها را گرد آورد و به کار گرفت.<sup>۱</sup> نکته جالب اینکه سیاسی در نمایشنامه‌هایی که انجمن روی صحنه می‌برده خود نیز بازیگری می‌کرده است.

سیاسی شخصیتی غیرقابل انعطاف داشته و خودش هم به این ویژگی‌اش اشاره می‌کند. در نگارش بنای کارش بر ایجاز است. تقریباً حشو و زوایدی در کتاب دیده نمی‌شود. نثر کتاب بالنسبه روان است، البته از پاره‌ای اصطلاحات قدیمی خالی نیست. در آغاز این گفتار گفته شد او چند بار وزیر شد. ولی اشتغال فکری عمده او دور دو موضوع بوده است یکی استقلال دانشگاه تهران و دیگری قانونی کردن تعلیمات اجباری و به این دو مورد به تفصیل در خاطراتش پرداخته است: هم شرح تلاش‌هایش و هم مخالفت‌هایی که با او می‌شده است.

دانشگاه تهران در ۱۵ بهمن ۱۳۱۳ ش به پیشنهاد علی‌اصغر حکمت و با همکاری هیئت مرکب از محمدعلی فروغی، غلامحسین رهنما، دکتر عیسی صدیق و دکتر علی‌اکبر سیاسی و تصویب رضاشاه تأسیس شد و در ۱۵ بهمن ماه ۱۳۲۱ در کابینه قوام‌السلطنه که دکتر سیاسی وزیر فرهنگ آن بود استقلال یافت. استقلال آن به این معنی بود که از حوزه تصرف وزارت فرهنگ به عنوان یکی از ادارات تابعه آن خارج شد و اداره آن به استادان آن واگذار گردید. چهار سال بعد یعنی در ۱۵ بهمن ۱۳۲۵ در کابینه بعدی قوام استقلال مالی دانشگاه نیز تأمین گردید. استقلال اداری و مالی دانشگاه توسط دکتر سیاسی طرح و اجرا شد.

برای خواننده جوان یا ناآشنا ممکن است این پرسش پیش بیاید که پافشاری سیاسی بر استقلال دانشگاه تهران چه ضرورتی داشته است؟ این کار از دو جهت ضرورت داشت. یکی اینکه درک نیازها و مسائل دانشگاه تهران که مؤسسه‌ای نوپدید بود برای وزارت فرهنگ آن دوران که دیدی محدود داشت دشوار بود و مانع گردش درست کار دانشگاه می‌شد. از جهت دیگر استقلال دانشگاه آن را از تنش‌های سیاسی درون حاکمیت دور نگاه می‌داشت و نمی‌گذاشت که درگیری‌های حاکمیت در دانشگاه انعکاس یابد.

توجه سیاسی معطوف به کارها و فعالیت‌های خودش است و کمتر به مسائل سیاسی زمانه که نقشی در آنها نداشته می‌پردازد. قضاوت‌هایش درباره دخالت خارجی‌ها در ایران و برخی مسائل دیگر کمابیش مطابق برداشتهای رایج و عمومی ایرانیان است. اما اظهار نظرش درباره ۲۸ مرداد جالب است. می‌نویسد: «مردم ایران از سقوط دکتر مصدق تأسف داشتند، ولی از بازگشت شاه (البته نمی‌دانستند تحت چه شرایطی) هم شاد بودند!»

با تمام احترامی که برای دکتر مصدق قائل است اما می‌گوید که او

نیز استقلال دانشگاه را نمی‌خواست و تمایل داشت دانشگاه را برای مقاصد خود بسیج کند. همچنین می‌نویسد دکتر خانلری نیز زمانی که وزیر فرهنگ شده بود ضمن گفت و گویی با او مخالفت خود را با استقلال دانشگاه بیان کرده بود چون خواست شاه هم همین عدم استقلال بوده است.

سیاسی به واسطه سمت‌هایی که داشته مکرر با محمدرضا شاه ملاقات می‌کرده است و به پاره‌ای از این ملاقات‌ها در کتاب اشاره کرده است. وی در آغاز نظر مساعدی نسبت به شاه دارد ولی رفته‌رفته از مواضع شاه و عملکرد او در مسائلی که میان‌شان مطرح می‌شده رنجیده خاطر می‌شود. و سرانجام با توجه به تخصص‌اش بهره هوشی (I.Q.) شاه را در حد متوسط یعنی ۱۰۰ و شاید هم قدری پایین‌تر ارزیابی می‌کند.

یکی از نکات جالبی که به آن اشاره می‌کند، بی‌میلی شاه در تصویب قانون تعلیمات اجباری بوده است. وقتی سیاسی دلیل این مخالفت را از او می‌پرسد شاه می‌گوید: «بچه‌های رعایا که باسواد شوند اوراق تبلیغاتی کمونیست‌ها را می‌خوانند، خودشان کمونیست می‌شوند و دیگران را نیز به این مرام تبلیغ می‌کنند.»<sup>۲</sup>

تخصص دکتر سیاسی روان‌شناسی بود و در آخرین بخش کتابش در هشت صفحه به این موضوع پرداخته است. نخستین کتاب در زمینه روان‌شناسی جدید توسط او تألیف و در سال ۱۳۱۷ منتشر شده است و البته کتاب‌های دیگری نیز در این حوزه دارد. وی در سال ۱۳۴۷ انجمن روان‌شناسی را نیز در ایران تأسیس کرد. همچنین از افراد مؤثر در بنیاد گذاری یونسکو بوده است.

سیاسی پس از آنکه استقلال دانشگاه از بین رفت سمتی را نپذیرفت و هم خود را یکسره مصروف پژوهش و تدریس کرد. شاپور بختیار نوشته است که ملاقات وی با مهندس بازرگان به درخواست بختیار در خانه دکتر سیاسی صورت گرفته است.

دکتر سیاسی سال‌های پس از انقلاب را بیشتر در خارج از ایران گذراند و در سال ۱۳۶۹ در سن نود و شش سالگی در تهران درگذشت. گزارش یک زندگی‌کتابی خواندنی، مفید و پُر اطلاع است؛ به ویژه برای پژوهشگران تاریخ آموزش ایران مطالعه آن ضرورت دارد. همان‌گونه که گفته شد شیوه نگارش سیاسی موجز و روان است. قضاوت‌هایش در مورد افراد صریح است و البته در مواردی به تندی و تلخی می‌گراید، ولی به ستایش برخی نیز پرداخته است. در مجموع شرح وقایع و مسائل را به دقت و با ذکر تاریخ بازگو کرده است. از جمله روایت وی از سوء قصد به شاه در سال ۱۳۲۷ که خود وی در آن محل حضور داشته خواندنی است.

۱. کاوه بیات، «تجدّد اخلاقی: تجربه ایران جوان»، گفتگو، ش ۱۰، (زمستان ۱۳۷۴).
  ۲. نظر شاه را که خواندید. حال نظر نویسنده متروقی آن دوران را هم درباره دانشگاه بخوانید: «[مردم] ساختمان باشکوه دانشگاه را چون به دستور دیکتاتور انجام گرفته بود به زبان استقلال کشور و به سود انگلیسی‌ها می‌دانستند [!:]» بزرگ علوی، چشم‌هایش، ص ۷.
- با چنین دیدگاهی از دو قطب مخالف جامعه همین مقدار هم که ایران در زمینه فرهنگ و آموزش پیشرفتهایی کرده عجیب است.